

پنداشت ذهنی شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی دفاع شهری

لیلا نعمتی‌نیا^۱

سعید معدنی^۲

محبوبه بابائی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر ویژگی‌های فضاهای شهری و نقش آن را در احساس امنیت شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران بررسی می‌کند و با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به کشف و بررسی استدلال‌های ذهنی و معنایی احساس ناامنی در فضاهای بی دفاع شهری در مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران می‌پردازد. داده‌های این مطالعه کیفی از طریق مصاحبه عمیق گردآوری، و از روش نظریه مبنایی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. به کمک روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند، با ۲۳ نفر از شهروندان تهرانی مصاحبه شد و در نهایت داده‌های گردآوری شده کیفی در قالب ۲۳ خرده‌مقاله، ۱۰ مقوله محوری و ۱ مقوله هسته کدگذاری و تحلیل شدند. مقوله‌های کشف شده شامل اشاعه ترس، خلأ قانونی، سابقه و تکرار ناامنی، بی‌اعتمادی، بافت‌های آسیب‌زا، هرج و مرج و سوءمدیریت مسائل شهری، انزوای اجتماعی، هویت محله‌ای، ذهنیت‌های منفی و تجارب منفی هستند. با انتزاع این مقوله‌ها در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای به دست آمد: «احساس ناامنی در فضاهای بی دفاع شهری به علت وجود بافت‌های آسیب‌زا و ذهنیت‌های منفی در قالب هویتی خاص در بستر ضعف نظارتی و تجارب منفی با راهبردهای سابقه و تکرار ناامنی و خلأ قانونی به هرج و مرج و بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی منجر شده است.» این مقوله همه مباحث شهروندان تهرانی را درباره احساس ناامنی در فضاهای بی دفاع شهری پوشش می‌دهد. در نهایت مدل‌سازی معادله ساختاری به کمک نرم‌افزار AMOS Graphics نیز الگوی کیفی پژوهش را با ضرایب بسیار بالایی تأیید کرد.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، تهران، فضاهای بی دفاع، فضاهای شهری.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، leila528@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)،
maadani25@yahoo.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، mbabaei1013@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین نیازهای اجتماعی انسان نیاز به احساس امنیت در محیط شهری به‌ویژه فضاهای عمومی شهری است. در سال‌های اخیر، احساس امنیت اجتماعی یکی از محبوب‌ترین ابزارها برای پیشبرد توسعه انسانی در سراسر جهان بوده است و تقریباً تمام کشورهای جهان، برخی از قوانین اجتماعی را برای افزایش امنیت اجرا کرده‌اند (اشمیت، ۲۰۱۵: ۳۳۲). از سوی دیگر، امروزه خشونت و احساس ناامنی به‌عنوان نگرانی‌ای فراگیر در تمام جوامع مطرح شده است (داوتون و وایت، ۲۰۱۲: ۴۸۰). همچنین سیاست‌های دستگاه‌های مبارزه با خشونت و برقراری امنیت که اغلب به‌طور مستقیم بر مجرم تمرکز دارند، چندان موفقیت‌آمیز نبوده‌اند و این امر موجب توجه به ابعاد تأثیرگذار و عوامل زمینه‌ساز بروز خشونت و احساس ناامنی در شهرها شده است. مطالعه در زمینه ارتباط محیطی و آسیب‌های اجتماعی به اوایل قرن نوزدهم برمی‌گردد که بیشتر ارائه الگوهای منطقه‌ای از جرائم و مقایسه مناطق شهری و روستایی با دیگر ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی بود. اولین مطالعه در این زمینه توسط گوری در فرانسه صورت گرفت. توجه به نقش فضاهای جرم‌خیز یا بی‌دفاع در کارهای جرم‌شناسان محیطی، طراحان شهری، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و به‌خصوص روان‌شناسان محیطی با دو رویکرد متفاوت دنبال شد. رویکرد اول که تأکید بیشتری بر محیط فیزیکی داشت، بیشتر توسط شهرسازان و معماران مطرح شد. جیکوبز (۱۹۶۱)، نیومن (۱۹۷۲) و جفری (۱۹۷۱) در مطالعات خود با تأکید بر طراحی فیزیکی نشان دادند که فضاهای شهری حامل معانی و نمادهای خاص خود هستند (تیموئی، ۲۰۰۶: ۱۷۴).

رویکرد دوم، محیط اجتماعی و ویژگی اجتماعی فضاها را بااهمیت می‌داند که از سوی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و به‌طور گسترده‌ای در آمریکا و در کارهای مکتب شیکاگو مطرح شد. تئوری منطقه‌های رشد و گسترش شهر به‌وسیله رابرت پارک و ارنست برگس آن‌ها را قادر به ترسیم دقیق مرزهای جرائم در منطقه انتقالی کرد. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو به مطالعه رابطه بین ساخت فیزیکی شهر با نظام اخلاقی آن پرداختند. به همین جهت از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ پیروان مکتب شیکاگو با هدف درک تأثیر عوامل اجتماعی و بوم‌شناختی بر بی‌سازمانی و رفتارهای خشونت‌آمیز و انحرافی، رابطه میزان جرم و بزهکاری نظیر خودکشی،

طلاق، فحشا، اعتیاد به الکل، اعتیاد به مواد مخدر و انواع خشونت را با فضای درون‌شهری مطالعه کردند (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۷). از طرفی امروزه امنیت از شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر است و در راستای بهبود و ارتقای کیفیت زندگی شهری و در دستیابی به یک شهر پایدار نقش کلیدی دارد (نادی، ۲۰۱۶: ۴۷۶).

شهری موفق است که فرد در خیابان‌های مملو از بیگانگان، احساس امنیت فردی و اطمینان داشته باشد. نبود فضاهای امن در شهرها سبب ترس مردم از حضور در آن‌ها می‌شود و خود خیابان‌ها و شهرها را ناامن‌تر می‌کند (محمدی و شارع‌پور، ۱۳۹۸: ۱۲۸)؛ بنابراین آسیب‌های اجتماعی و نبود احساس امنیت از مهم‌ترین پیامدهای آن به‌شمار می‌رود. از آنجا که فضاهای شهری امروزی، مؤلفه‌ای برای وقوع ناهنجاری‌های شهری و در نتیجه ناامنی در شهر است، بررسی جنبه‌های کیفی و کمی امنیت، چه از لحاظ کالبدی و چه اجتماعی در داخل هریک از فضاهای شهری امری ضروری است (اشمیت، ۲۰۱۵: ۳۳۲). بر همین اساس، توسعه و ایجاد فضای شهری مناسب موضوعی مورد توجه در همهٔ زمان‌ها برای شهرسازان و جامعه‌شناسان بوده است و از آن زمان که انسان برای بقا و تأمین معاش خود با وسایل ابتدایی و دست‌ساز به مقابله با عوامل طبیعی پرداخت، تاکنون که به‌دنبال عصر صنعتی شدن رؤیای برتری بر جهان را در سر می‌پروراند، امنیت و احساس آن، چه در بعد روانی و چه در بعد فیزیکی، همواره یکی از دغدغه‌های همیشگی او بوده است. با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعهٔ شهری می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از امنیت در ابعاد اقتصادی-سیاسی-اجتماعی و محیطی اهمیت فزاینده‌ای دارد و طراحی فضاهای شهری ایمن یکی از اهداف اصلی برنامه‌ریزان شهری در برنامه‌ریزی و طراحی شهری است؛ چرا که افراد معمولاً از طریق مسیرهای امن و فضاهای شهری ایمن سفر می‌کنند؛ زیرا آن‌ها را مناطق امنی می‌دانند (شاج-پاینسلی، ۲۰۱۸: ۱). از آنجا که امنیت مؤلفه‌ای اساسی در توسعهٔ پایدار انسانی به‌شمار می‌رود، باید علاوه بر میزان واقعی امنیت به جست‌وجوی راه‌های مؤثر در شکل‌گیری مکان‌های امن شهری و جلوگیری از شکل‌گیری و رشد فضاهای ناامن یا جرم‌خیز و بی‌دفاع شهری پرداخت (ماهروس و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۰۵۵).

به‌طور کلی، امنیت ارتباط مستقیمی با فضا و کیفیت محیط شهری دارد. حتی مقوله‌ای مانند

نور کافی در فضاهای شهری و محیط اطراف بر احساس امنیت درک شده تأثیر دارد (فیشر و می، ۲۰۰۹: ۳۱۷). فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کننده امنیت و فضای نامناسب، از بین‌برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی‌دفاع و محله‌های ناامن از عوامل تهدیدکننده امنیت شهری و اجتماعی هستند و فضاهای ایمن شهری دارای ویژگی‌هایی مانند مسیرهای روشنایی، پیاده‌روهای کنار خیابان، نمای جالب‌توجه گذرگاه‌ها و نبود ساخت‌وسازهای غیرقانونی هستند که رعایت این عناصر شهری بر حس امنیت در محیط ساخته‌شده تأثیر می‌گذارد (شاج-پاینسلی، ۲۰۱۸: ۱)؛ بنابراین عوامل متعددی در وقوع و گسترش ناامنی و نیز خشونت مؤثر هستند. یکی از این عوامل، فضاهای بی‌دفاع شهری یا جرم‌خیز است. فضاهای بی‌دفاع یا جرم‌خیز دارای ویژگی‌های بسیاری هستند که در دو دسته فیزیکی و اجتماعی قابل‌تفکیک‌اند و فضا را برای وقوع خشونت مستعد می‌سازند. از دیدگاه طراحان شهری و معماران، ویژگی‌های فیزیکی، و از دیدگاه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، ویژگی‌های اجتماعی بیشتر در مستعدکردن فضاها برای وقوع خشونت نقش دارند (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۱). این فضاهای بی‌دفاع در شهر تهران به علت رشد و گسترش فیزیکی و جمعیتی از یک سو و فرسودگی و تخریب مناطق قدیمی بسیار افزایش یافته است. از این رو، تلاش برای ایجاد و احیای فضاهای شهری در شهرهای کشور به‌خصوص در شهر تهران به‌عنوان یک کلان‌شهر - که مورد هجوم مهاجران و در نتیجه بی‌برنامگی در توسعه موزون شده است - تاکنون چندان رضایت‌بخش نبوده است. به‌رغم آنکه تلاش‌های بسیاری صورت گرفته و سعی شده است که نظریات و مدل‌های آزموده‌شده دیگر کشورها در تهران اجرا شوند و پنداشته‌ها صورت علمی به خود بگیرند، تجربه جهانی نشان می‌دهد علاوه بر اینکه در تهران مکان‌های شهری بهتری ساخته نشد، بلکه مکان‌های شهری ساخته‌شده نیز در بسیاری از موارد از بین رفتند. بر همین اساس، هدف اصلی این پژوهش بررسی تجربه زیسته شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری در قالب مدلی با شناسایی مؤلفه‌ها، شرایط علی و مداخله‌ای، بسترها، راهبردها و پیامدهای احساس ناامنی است و در نهایت مدل استخراج‌شده به روش مدلسازی معادله ساختاری آزمون و اعتباریابی می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریه‌ها و رویکردهای مطرح‌شده درباره تأثیر فضاهای بی‌دفاع شهری در بروز خشونت و ایجاد احساس امنیت و در نتیجه راهکارهای کنترل و کاهش جرائم با تأثیرپذیری از رویکردهای مختلف عنوان شده‌اند؛ یعنی تعدادی از نظریه‌ها به‌طور مجزا بر نقش ویژگی‌های فیزیکی فضاها در بروز خشونت تأکید دارند و در مقابل تعدادی نیز بر بعد اجتماعی تأکید می‌کنند. نظریه‌هایی نیز در بین این دو طیف قرار دارند و بر هر دو بعد فیزیکی و اجتماعی فضاهای بی‌دفاع و آلوده در بروز خشونت تأکید دارند (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰).

جین جیکوبز نظریه‌پرداز آمریکایی در دهه ۱۹۶۰ میلادی با کتاب *مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی* به‌عنوان اولین نظریه‌پرداز در حوزه امنیت معرفی می‌شود. او در بخشی از کتاب خود به مسائلی مانند نیاز به فضاهای امن در شهر، جداسازی و تشخیص مکان‌های عمومی و خصوصی و تنوع کاربری‌ها و اختلاط آن‌ها با هم می‌پردازد (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۳۵).

به نظر دیوید چپمن، فضاها معمولاً زمانی تأثیرگذارترند که به‌روشنی تعریف شده باشند؛ چرا که فضاهای تعریف‌شده در نوع تجربه فضا و احساسات امنیت و مطبوع‌بودن مشارکت دارند. از نظر وی، فضاهای شهری تعریف‌شده دارای ویژگی‌های توالی، تنوع، شگفتی و مجردبودن، و احساس محصوریت هستند تا امنیت و احساس امنیت ایجاد کنند (چپمن، ۱۳۸۶: ۱۷۹). پیتر دیکنز از جمله نظریه‌پردازانی است که بر ابعاد اجتماعی فضاهای بی‌دفاع تأکید دارد. به نظر وی محل، محیطی فیزیکی است که در آن تعامل رخ می‌دهد و فضایی است که برای کاربرد خاصی تعبیه شده است. فضای فیزیکی در تأثیر بر زندگی افراد و مواجهه آن‌ها با روابط و فرایندهای اجتماعی بسیار مهم است. محیط اطراف فرد به‌وسیله نظام‌های اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. در اندیشه دیکنز، فاصله‌های فیزیکی بین افراد و تخصیص فضاهای فیزیکی به انواع خاص فعالیت‌های اجتماعی تخصیص می‌یابد. محله‌ها حامل نمادها و معانی اجتماعی مقبولی هستند که به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بر روابط اجتماعی اثر می‌گذارند (افروغ، ۱۳۷۷: ۸۲).

ویلسون، نظریه‌پرداز پنجره شکسته، معتقد است محله‌هایی که در آن‌ها نشانه‌هایی از

بی‌توجهی و خرابی، نظیر تلنبارشدن زباله‌ها، نمای بیرونی ناموزون ساختمان‌ها و پنجره‌های شکسته وجود دارد، امکان دسترسی مجرم مهیاست. این نشانه‌ها حاکی از آن است که ساکنان آن محله آسیب‌پذیری بیشتری دارند و از حضور، مشارکت و محافظت اجتماع خود کنار کشیده‌اند. شایان ذکر است که این نظریه با عنوان نظریه تمدنی نیز معروف است. درواقع در اینجا بر فحش و ناسزاهای نوشته شده روی دیوارها، زباله‌ها، ساختمان‌های متروکه یا تجمع افراد بی‌سرپناه در محله‌ها توجه می‌شود و چنین عواملی نشانه نامنی شمرده می‌شود (علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). به‌طورکلی، احساس امنیت درک‌شده در فضاهای شهری براساس هشت ویژگی فیزیکی رتبه‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. سطح تعریف فضایی، ۲. تراکم پوشش گیاهی، ۳. سطح نگهداری، ۴. نبود نشانه‌های خرابکاری، ۵. مقدار نور، ۶. تعداد نشانگرها و علائم، ۷. امکان دیده‌شدن و ۸. امکان دیدن اطراف. هریک از ویژگی‌های هشت‌گانه با سطح امنیت درک‌شده ارتباط معنادار دارند (ماهروس و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۰۵۵).

مطابق نظریات مطرح‌شده و مطالعات پیشین می‌توان گفت از نظر اندیشمندان، حفظ امنیت شهر، از وظایف اساسی فضاهای یک شهر است و تلاش در جست‌وجوی راه‌های مؤثر در کاهش فضاهای بی‌دفاع شهری به جهت نقش مؤثری است که این‌گونه فضاها در جامعه و ایجاد امنیت ایفا می‌کنند. هرچند نظریه‌های متعددی برای تبیین احساس نامنی وجود دارد، نمی‌توان تمامی این نظریه‌ها را برای تبیین نامنی در یک جامعه با ویژگی‌های فرهنگی متفاوتی مانند ایران به‌کار برد. بر همین مبنا، لزوم ورود به واقعیت موجود براساس رویکردهای تفسیری بسیار بهتر از کاربست نظریه‌های موجود است؛ بنابراین می‌توان با اتکا به آرای بومی و تجربه زیسته و استدلال‌های ذهنی و معنایی شهروندان به کشف دلایل احساس نامنی در فضاهای بی‌دفاع پرداخت.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

سال	نویسنده و عنوان پژوهش	یافته‌های کلیدی
۱۹۶۰	جین جیکوبز: مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی	نیاز به خیابان‌های امن در شهر، جداسازی و تشخیص مکان‌های عمومی و خصوصی، تنوع کاربری و اختلاط آن‌ها در سطح شهر، استفاده مؤثر و بازدارنده از حضور عابران پیاده در مناطق شهری برای کاهش احتمال وقوع جرم
۱۹۷۰	رای جفری: جلوگیری از جرائم شهری با طراحی محیطی - اسکار نیومن: فضاهای قابل دفاع	کاهش پتانسیل طبیعی جرم‌خیزی مناطق شهری، دیده‌شدن شهروندان (شهروندان باید ببینند و دیده شوند)، شفافیت و در معرض دید قرارگرفتن فضاهای عمومی، اشتیاق مردم به گزارش و برخورد با تخلفات و جرم
۱۹۸۰	جرج کیلینگ و ویلسون و پل براتینگهام: جرم‌شناسی شهری	ارائه نظریه پنجره شکسته، کاهش پتانسیل‌های طبیعی جرم‌خیزی در مناطق شهری، اشاره به نابسامانی طراحی محیط مصنوع، اشاره و تأکید بر ناکارآمدی قوانین و استانداردهای طراحی شهری و معماری، نقش موانع طبیعی و بازدارنده‌های موقعیتی در کاهش فرصت‌دهی برای تجاوزها و جرائم شهری
۲۰۰۰	تیم کروو: جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی	ارائه راهبرد و روشمندی این رویکرد، برگزاری کنفرانس‌ها و CPTED همایش‌های بین‌المللی با عنوان
۲۰۰۳	لیندستروم و همکاران: بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی در محله	عوامل محله‌ای که ۷/۲ درصد از کل واریانس احساس ناامنی افراد را تبیین می‌کنند، سرمایه اجتماعی
۲۰۰۷	روبین و ناس: جنسیت و احساسات زنان در ایالات متحده	احساس ناامنی زنان در محیط کار و آزار جنسی زنان شاغل
۲۰۰۹	فیشر و می: ترس مربوط به جرم دانشجویان در دانشگاه	نور کافی در فضاهای شهری و محیط اطراف
۲۰۱۰	ویور: امنیت اجتماعی و حمایت اجتماعی	ارزیابی احساس امنیت شهروندان و سطح ناامنی بیشتر زنان در مقایسه با مردان
۲۰۱۸	شاج-پاینسلی: اندازه‌گیری امنیت در محیط ساخته‌شده	طراحی فضاهای شهری ایمن، سفر پیوسته افراد در فضاهای امن، مسیرهای روشنایی، پیاده‌روهای کنار خیابان، نمای جالب‌توجه گذرگاه‌ها، نبود ساخت‌وسازهای غیرقانونی
۲۰۱۸	ماهروس و همکاران: ویژگی‌های فیزیکی و امنیت درک‌شده در پارک‌های شهری	سطح تعریف فضایی، تراکم پوشش گیاهی، سطح نگهداری، نبود نشانه‌های خرابکاری، مقدار نور، تعداد نشانگرها و علائم، امکان دیده‌شدن و دیدن اطراف

فضاهای بی‌دفاع فضاهایی هستند که امکان اتفاق افتادن آسیب اجتماعی در آن‌ها بیشتر از فضاهای دیگر است. همچنین فضای بی‌دفاع فضایی است که از نظر حفاظتی مرده، اما از نظر اتفاق افتادن مسائل نابهنجار فضایی فعال و زنده است. این فضاها معلول رخدادهایی هستند که در شهر رخ می‌دهند؛ زیرا به علت بزرگ شدن یا بزرگ بودن شهر و نبود نظارت مناسب فیزیکی و اجتماعی، فضاهایی به وجود می‌آیند که فعالیت‌های غیرمجاز و متعارض با هنجارهای جامعه در آن‌ها صورت می‌گیرد و آثار نامطلوبی بر پیکر جامعه می‌گذارد و به بروز انواع خشونت منجر می‌شود (راپوپورت، ۱۳۸۴: ۶۳). این فضاها اغلب به کسی تعلق ندارند و اگر مالک داشته باشند، از آن‌ها محافظت نمی‌کند. برخی از این مکان‌ها از دید عموم پنهان هستند؛ به طوری که به عنوان فضاهای دنج و امن برای رفتارهای انحرافی در نظر گرفته می‌شوند. فضاهای باقی‌مانده اطراف ساختمان‌های بلند، گوشه‌های رهاشده، پارکینگ‌ها و زمین در بخش‌های حاشیه‌ای را می‌توان جزء مناطق بی‌دفاع نام برد (دارابی، ۱۳۹۵: ۳۳۲-۳۳۳). فضاهای بی‌دفاع به صورت همگون در شهرها توزیع نشده‌اند. مکان‌های پرتجمع شهری، ورودی شهرها، پارک‌ها، ترمینال‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن، میدان‌های بزرگ و مناطق حاشیه شهرها جزء مناطق بی‌دفاع هستند (تختی، ۱۳۹۵: ۷۱).

مهم‌ترین مسئله‌ای که درباره فضاهای شهری مطرح است، بحث احساس امنیت است. احساس امنیت نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، فانع‌کننده و آرام‌بخش) شهروندان نسبت به تأثیرگذار نبودن رویدادها و وقایع ضد امنیتی در شرایط فعلی و آتی در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی و امنیت سرزمینی است. در فضاهای شهری، احساس امنیت شهری به این معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه‌جا شوند، با همسفریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند (اسدی‌فرد، ۱۳۹۳: ۳۸-۴۸). بوزان در بحث احساس امنیت معتقد است که تعاریف امنیت عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است. به اعتقاد بوزان، بیشتر تهدیدهایی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع

فشارهای اجتناب‌ناپذیر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). در فضای کالبدی، برای درک احساسات شهروندان بهترین راه‌حل رجوع به خود شهروندان در قالب انجام‌دادن مصاحبه‌های عمیق است. مفهوم احساس ناامنی یک مسئله است و کمتر می‌توان نمودهای عینی آن را در بین شهروندان دید. بر همین اساس، برای درک عمق احساس ناامنی شهروندان در فضاهای بی‌دفاع شهری لازم است تا خود شهروندان تجربه زیسته خود را در این فضاها به بحث بگذارند. هرچند برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری، در نگاه اول، به‌وجودآوردن استانداردهای محیطی مانند مدیریت فضاهای شهری می‌تواند به افزایش احساس امنیت شهروندان منجر شود، وجود ساختارهای رعب‌آفرین در کالبد شهر را فقط شهروندان با تجربه زیسته درک می‌کنند. بر همین اساس، در این پژوهش مطالعه میدانی عمیقی درباره احساس ناامنی در فضاهای شهری در بین شهروندان انجام داده‌ایم. بدین ترتیب، در این پژوهش، با استفاده از روش‌های علمی (تفسیرگرایی ساختاری) احساس ناامنی شهروندان تهرانی را در فضاهای بی‌دفاع شهری مطالعه می‌کنیم.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحلیل در این پژوهش ترکیبی از نوع اکتشافی و تحلیلی است و از لحاظ هدف کاربردی است. روش‌های تحقیق ترکیبی، به‌دنبال ادغام و ترکیب داده‌های کیفی و کمی در جهت فهم بهتر مسئله تحقیق هستند. به‌لحاظ پارادایمی، پارادایم پژوهش از نوع عمل‌گرایی^۱ است. از آنجا که در این پژوهش، داده‌های کیفی در مرحله اول پژوهش جمع‌آوری می‌شود، قصد محقق می‌تواند کشف موضوع تحقیق با نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق باشد؛ بنابراین در مرحله بعد می‌توان همین موضوع را در سطح وسیعی از جامعه آماری از نظر کمی بررسی کرد. روش کیفی مورد استفاده در این پژوهش، روش گراند تئوری یا داده‌بنیاد است. از آنجا که رویکرد گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت همزمان دنبال می‌شود و تحلیل براساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام می‌گیرد، گراند تئوری با رویکرد اشتروس و کوربین بر مبنای هستی‌شناسی پساتجربه‌گرایی و معرفت‌شناسی تفسیری انتخاب شده است. در این روش، ابتدا با انجام‌دادن مصاحبه‌های عمیق با

شهروندان تهرانی، به تدوین الگوی استدلال‌های ذهنی و معنایی احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری در تهران پرداخته شد و سپس به روش کمی پیمایش، نظریه به‌دست‌آمده در جامعه آماری مشابه و بزرگ‌تر اعتباریابی و آزمون شد. داده‌های بخش کیفی از طریق مصاحبه عمیق گردآوری شد و تحلیل داده‌ها به روش نظریه مبنایی صورت گرفت. به کمک روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند، با ۲۳ نفر از شهروندان تهرانی مناطق ۳ و ۱۲ مصاحبه شد. برای اشباع نظری نیز با گذشت زمان به عمق و تمرکز نمونه‌گیری افزوده شد و در مراحل اولیه، کشف مفاهیم و مقوله‌های تازه و در مراحل بعد، عمق و غنای مقوله‌ها مدنظر قرار گرفت. نمونه‌گیری زمانی به پایان رسید که اشباع نظری ایجاد شد، یعنی زمانی که داده‌های اضافی کمکی به تکمیل و مشخص کردن مقوله نظری تازه‌تری نکردند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسیدند. در نهایت داده‌ها در قالب ده مقوله محوری و یک مقوله هسته کدگذاری و تحلیل شدند و یافته‌های کیفی در قالب یک الگوی پارادایمی استخراج و صورت‌بندی شد. در بخش کمی نیز اطلاعات و داده‌ها در محله‌ها براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و با مشاهده در سطح محله، به مطالعه و گردآوری داده‌ها پرداخته شد. جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی خانوارهای ساکن در مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۷ هستند که برحسب آخرین آمار سرشماری، ۲۱۰،۸۲۹ خانوار شامل ۶۳۲،۴۸۷ نفر در آن‌ها سکونت دارند. در این پژوهش، جمعیت نمونه شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ هستند که از هر ده خانوار یک نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. با توجه به اینکه کل حجم نمونه برآوردشده ۳۷۷ نفر است، در نهایت با مراجعه به محل سکونت افراد، شهروندان بالای ۱۶ سال پرسشنامه مورد نظر پر کردند. تحلیل یافته‌ها به صورت کمی و استنباطی و با کمک مدلسازی معادله ساختار با نرم‌افزار AMOS Graphics انجام گرفت. در بخش کیفی این پژوهش، برای حصول قابلیت اعتماد^۱ به‌عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی، از مصاحبه‌های همگرا یا تأیید همکاران^۲ و تأیید یافته‌ها توسط خود مشارکت‌کنندگان^۳ استفاده شد و در بخش کمی نیز اعتبار محتوا به کمک قضاوت داوران و استادان و قابلیت اعتماد به کمک ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ به مقدار ۰/۸۳ اندازه‌گیری و تأیید شد.

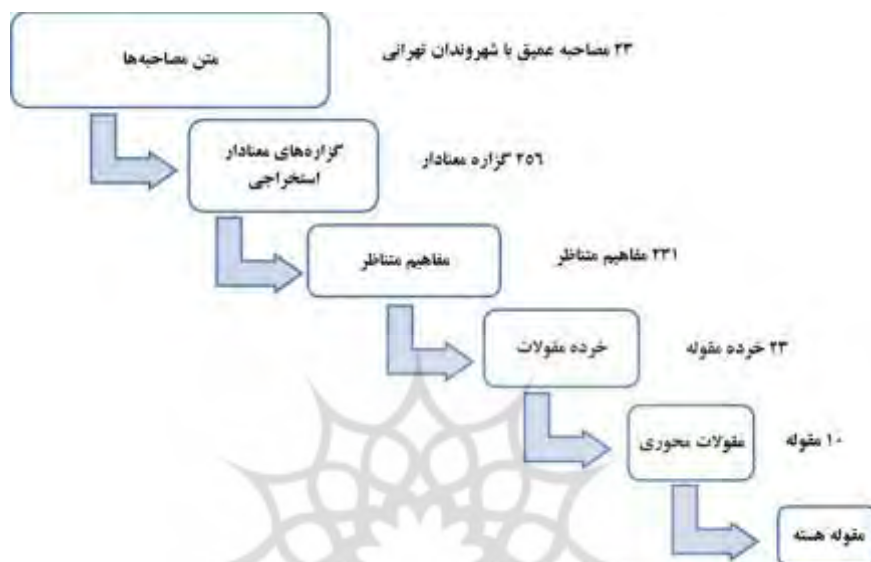
1. Trustworthiness
2. Peer review
3. Member checking

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های کیفی پژوهش

هدف این بخش از پژوهش، ارائه چارچوبی نظری برای کشف استدلال ذهنی و معنایی شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری است. بر همین اساس می‌توان گفت این پژوهش فهم شهروندان تهرانی در مناطق ۳ و ۱۲ را در ارتباط با احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع طراحی می‌کند و علاوه بر آن مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مدل موجود را به صورت پارادایمی در اختیار قرار می‌دهد. برای ساخت نظریه در روش کیفی گراند تئوری، نیاز به مصاحبه‌های عمیق است. بر همین اساس، برای استخراج الگوی نظری یا فرایند نظریه‌سازی، مصاحبه‌هایی عمیق با ۲۳ نفر از شهروندان تهرانی در مناطق ۳ و ۱۲ صورت گرفت. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۲ زن و ۱۱ مرد هستند که پانزده نفر از آن‌ها متأهل و بقیه مجرد هستند. به‌لحاظ شغلی نیز افراد عموماً شاغل یا در حال تحصیل هستند که علاوه بر داشتن سکونت بالای ده سال در منطقه مورد بررسی به‌صورت روزانه در معابر شهری این مناطق به‌صورت مداوم در حال آمدو شد هستند. این افراد بنا بر اظهار خودشان به‌طور مستقیم در فضاهای بی‌دفاع شهری در این مناطق رفت‌وآمد می‌کنند و تجربه مستقیمی از وضعیت امنیتی این مناطق دارند؛ بنابراین مصاحبه‌های عمیقی با این شهروندان انجام شد و مصاحبه‌ها پس از ضبط برای بررسی و تحلیل کیفی مورد توجه قرار گرفت. نتایج تحلیل داده‌ها براساس مراحل سه‌گانه کدگذاری ارائه شد و در مرحله کدگذاری باز، بیش از ۲۵۶ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد. در مرحله بعد، ۲۳۱ مفهوم متناظر از تعداد ۲۵۶ گزاره معنادار کلی در متن مصاحبه‌ها استخراج شد. این مقوله‌ها دارای ارتباط مفهومی با یکدیگر هستند و به‌راحتی می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی کرد. البته می‌توان گفت تعداد زیادی از این مفاهیم تکراری هستند یا همپوشانی بالایی با هم دارند؛ برای مثال، مفاهیمی مانند کافی نبودن نظارت‌ها، نبود نظارت بیرونی، رهاشدن محله، بی‌توجهی به محله، نظارت ضعیف، بی‌نظارتی و مفاهیم زیادی از این دست به یک خرده‌مقوله به نام «ضعف نظارتی» تبدیل شدند. در ادامه فرایند کدگذاری، از ۲۳۱ مفهوم متناظر، ۲۳ خرده‌مقوله استخراج شد که دارای ارتباط مفهومی با یکدیگر هستند. همچنین به‌دلیل نزدیکی معنایی بسیاری از خرده‌مقوله‌های محوری در مرحله کدگذاری

محوری، ۲۳ خرده‌مقوله موجود به ۱۰ مقوله محوری تبدیل شدند. مراحل تئوری‌سازی در نظریه زمینه‌ای در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. فرایند تئوری برآمده از مصاحبه‌های پژوهش

همان‌طور که عنوان شد، مفاهیم متناظر استخراج‌شده در متن مصاحبه‌ها دارای چند ویژگی اساسی هستند. نخست آنکه این مفاهیم بسیار زیاد و متنوع‌اند. دوم آنکه ضمن تکراری بودن برخی مفاهیم، همپوشانی زیادی در برخی از آنها مشاهده می‌شود. بر همین اساس می‌توان به راحتی آنها را به یک مفهوم انتزاعی‌تر تبدیل کرد که همه مفاهیم نزدیک به هم را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین در این مرحله، از کدگذاری که به کدگذاری محوری معروف است، ۲۵۶ مفهوم متناظر به ۲۳ خرده‌مقوله تبدیل شدند. در نهایت پس از بررسی دقیق‌تر و پیوند بین مفاهیم خرده‌مقولات، ۱۰ مقوله محوری به دست آمد که عبارت‌اند از: اشاعه ترس، خلأ قانونی، سابقه و تکرار ناامنی، بی‌اعتمادی، بافت‌های آسیب‌زا، هرج و مرج و سوءمدیریت مسائل شهری، انزوای اجتماعی، هویت محله‌ای، ذهنیت‌های منفی و تجارب منفی. با انتزاع بیشتر این مقوله‌ها در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای به دست آمد: «احساس ناامنی در فضاها بی‌دفاع شهری به علت وجود بافت‌های آسیب‌زا و ذهنیت‌های منفی در قالب هویتی خاص در بستر ضعف نظارتی و

تجارب منفی، با راهبردهای سابقه و تکرار ناامنی و خلأ قانونی، به هرج و مرج و بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی منجر شده است.» این مقوله هسته‌ای می‌تواند تمامی مقولات دیگر را پوشش دهد. فرایند کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. خروجی مراحل کدگذاری محوری و گزینشی

مقوله هسته	مقوله‌های محوری	خرده‌مقوله‌ها
ضعف نظارتی و تجارب منفی، با راهبردهای سابقه و تکرار ناامنی و خلأ قانونی، به هرج و مرج و بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی منجر شده است.	اشاعه ترس	ترس از بدنامی ترس از آسیب بدنی ترس از ساختار محله
	خلأ قانونی	ضعف قانون (مغفول ماندن قانون) ضعف نظارتی
	سابقه و تکرار ناامنی	تکرار جرم سوء سابقه محله
	بی‌اعتمادی	بی‌اعتمادی به فضای شهری بی‌اعتمادی به شهروندان
	باقت آسیب‌زا	فضاهای تنگ و ترسناک نور کم باقت فرسوده
	هرج و مرج و سوء مدیریت مسائل شهری	محله‌های آشفته ساخت و ساز بی‌رویه بی‌مدیریتی
	انزوای اجتماعی	دوری از اجتماع بی‌اعتمادی به جامعه
	هویت محله‌ای	القای هویت کاذب به محله مکانی برای تخلف
	ذهنیت‌های منفی	شناخت منفی محیط سوء ذهنیت به محله
	تجارب منفی	آگاهی از تجارب دیگران تجربه قربانی شدن

در این مرحله مایه‌گرفتن مفاهیم از داده‌ها، مشخصه اصلی راهبرد نظریه‌زمینه‌ای است و به کمک تحلیل مقوله‌ها می‌توان فرایند نظریه‌سازی را تشریح کرد. درمورد نام‌گذاری مناسب مقوله‌ها، پرسیدن سؤالات برانگیزاننده، مقایسه و استنتاج طرحی نو، یکپارچه و واقع‌بینانه از انبوه داده‌های خام و سازمان‌نیافته، نیاز به خلاقیت ویژه‌ای دارد و با توجه به خلاقیت باید حساسیت نظری راهگشای ادامه کار باشد. حساسیت نظری از خلال تجربه حرفه‌ای، مطالعه متون، تجربه شخصی، و روند تحلیل داده‌ها در خلال پژوهش بر حساسیت نظری محقق می‌افزاید. حساسیت نظری از آن جهت مهم است که اساساً پژوهش کیفی و نظریه‌مبنایی در پی معنادادن به داده‌هاست.

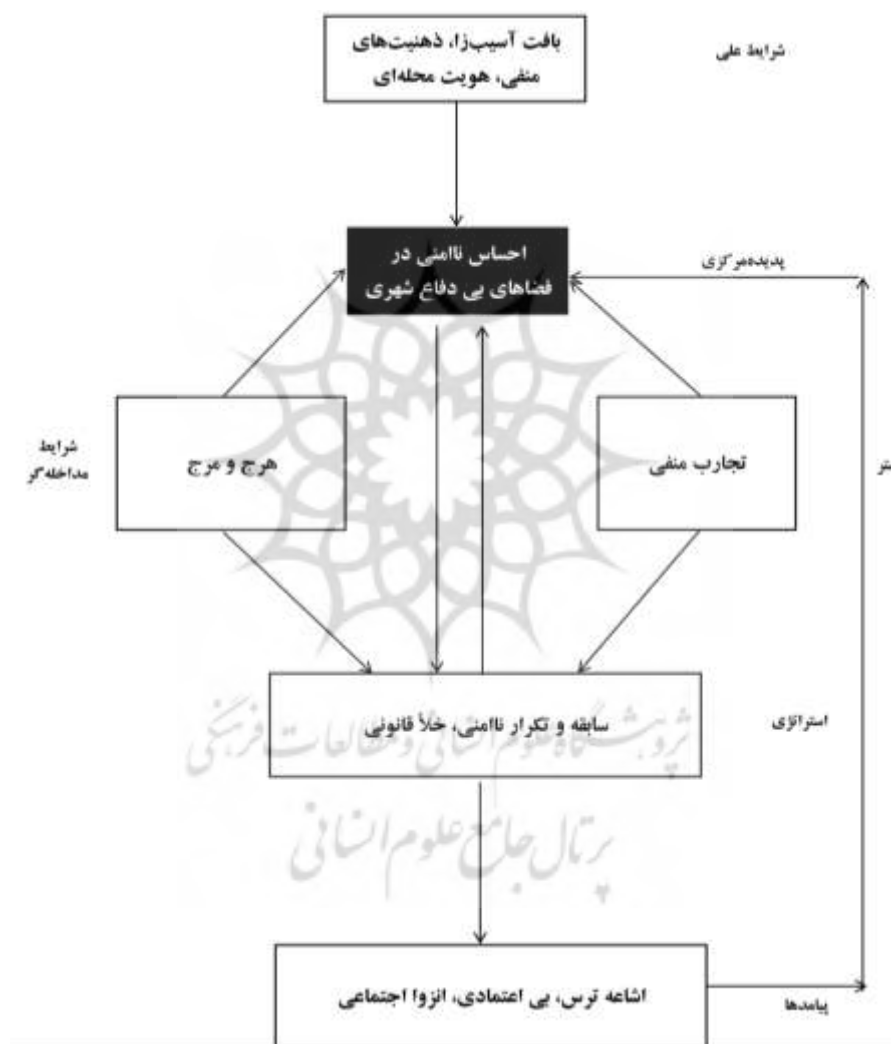
تحلیل مقوله هسته (مرکزی)

آخرین مرحله کدگذاری مرحله کدگذاری گزینشی است که در آن، کدهای به‌دست‌آمده در مرحله کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. هدف از این کار، یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌های کسب‌شده در مرحله کدگذاری محوری است. در این مرحله است که شکل‌گیری و پیوند هر مقوله با سایر مقوله‌ها شرح داده می‌شود و مقوله هسته نهایی به‌دست می‌آید که کل مفاهیم و مقوله‌ها را دربرمی‌گیرد. با ترکیب ده مقوله اصلی پژوهش (اشاعه ترس، خلأ قانونی، سابقه و تکرار ناامنی، بی‌اعتمادی، بافت‌های آسیب‌زاد، هرج‌ومرج و سوءمدیریت مسائل شهری، انزوای اجتماعی، هویت محله‌ای، ذهنیت‌های منفی و تجارب منفی)، مقوله هسته نهایی در مرحله کدگذاری گزینشی ظهور کرد. با توجه به مقوله‌های عمده و توضیحات فوق می‌توان گفت مقوله هسته می‌تواند همه مباحث شهروندان تهرانی را درباره احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری پوشش دهد و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. براساس مقوله هسته نهایی که خود برگرفته از سایر مقولات عمده ارائه شده است، شهروندان تهرانی در تجربه زیسته خود شرایط علی، بستر و پیامدهای بحران‌های هویتی و قومی را تجربه، درک یا تصور می‌کنند. آن‌ها در شرایط و بستر تعاملی خاصی احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری را تبیین کرده‌اند که این شرایط در هر جا مهیا شود، انتظار ناامنی در فضای شهری افزایش می‌یابد.

ترسیم مدل پارادایمی

در مجموع یافته‌های کیفی پژوهش حاضر نشان داد برساخت اجتماعی و تجربه شخصی شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع در شرایط مختلفی اتفاق می‌افتد. این شهروندان رویکردهای متفاوتی را در راستای احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع در تهران بیان کرده‌اند، اما همگی براساس ترکیب آرای آن‌ها به اتفاق نظر واحدی با نام یک تئوری بومی رسیده‌اند. در کل همه آن‌ها در این مسئله که دلایل احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع وجود دارد اتفاق نظر دارند، اما هرکدام از رویکردهای متفاوت به این مقوله نگاه کرده‌اند و پاسخ‌های متفاوتی به سؤال اصلی پژوهش داده‌اند. در یک رویکرد کلی می‌توان همه یافته‌ها را در یک مدل پارادایمی ترسیم کرد. همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، این مدل دارای بخش‌های شرایط علی، پدیده، بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبرد و پیامد است. پدیده مرکزی این مدل، احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری است که محور سؤالات مصاحبه کیفی و اطلاعات نظری و مفهومی شهروندان تهرانی است. همچنین در این مدل، شرایط علی شامل سه مؤلفه بافت آسیب‌زا، ذهنیت‌های منفی و هویت محله‌ای است. شرایط علی در مدل پارادایمی پژوهش دارای اثرگذاری چندگانه‌ای است که می‌تواند علت مستقیم و غیرمستقیم احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری باشد؛ برای مثال، شرایط علی با اثرگذاری مستقیم خود بر احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری می‌تواند عامل این بحران‌ها باشد و از طرف دیگر می‌تواند اثر مستقیمی بر بستر (تجارب منفی) احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری داشته باشد. علاوه بر آن، شرایط علی هم بر راهبردها و هم بر پیامدها اثر غیرمستقیم دارد. همچنین در تحلیل مدل پارادایمی باید گفت شرایط مداخله‌گری نیز وجود دارد که می‌تواند بر احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری اثر مستقیم داشته باشد. این شرط مداخله‌گر هرج‌ومرج و سوءمدیریت مسائل شهری است که می‌تواند شتاب‌دهنده احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری باشد. همچنین این شرط مداخله‌گر اثری دوسویه بر مدل پارادایمی دارد و همزمان هم بر پدیده مرکزی و هم بر راهبردهای مدل اثر دارد. علاوه بر شرط مداخله‌گر، بستر تجارب منفی شهروندان در فضاهای بی‌دفاع نیز اثر دوسویه در مدل دارد. ابتدا به‌طور مستقیم بر احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری و به دنبال آن بر راهبردها اثرگذار

است. خود راهبردها نیز با دو مقوله محوری سابقه و تکرار نامنی و خلأ قانونی هم بر پدیده مرکزی و هم بر پیامدهای مدل که شامل سه مقوله اشاعه ترس، بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی است، اثرگذارند. در نهایت پیامدها خود می‌توانند بازتولیدکننده احساس نامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری شهر تهران باشند. شکل ۲ مدل پارادایمی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل پارادایمی پژوهش

در این پژوهش، به‌منظور آگاهی از ذهنیت شهروندان تهرانی برای استدلال ذهنی و معنایی شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری، از روش ترکیبی یا آمیخته استفاده شد. در رویکردهای آمیخته، معمولاً ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی وجود دارد که شرایط کاملاً متفاوتی با سایر روش‌های کمی و کیفی دارد. رویکردهای آمیخته دید جامع‌تری برای فهم پدیده‌های انسانی و اجتماعی در مقایسه با سایر رویکردها به محقق می‌دهند. از این‌رو امروزه در بیشتر کارهای پژوهشی جدید، به‌کارگیری روش‌های آمیخته و ترکیبی با استقبال مواجه شده است. از آنجا که در این پژوهش، داده‌های کیفی در مرحله اول پژوهش جمع‌آوری می‌شوند و هدف پژوهشگر می‌تواند کشف مدلی برای تبیین استدلال ذهنی و معنایی شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری باشد، این امر با نظر و عقاید شهروندان تهرانی ممکن می‌شود. به‌طورکلی می‌توان گفت نظرهای کارشناسی این شهروندان بهترین راهبرد برای تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری است. از این‌رو برای درک اعتبار چنین الگویی می‌توان همین موضوع را می‌توان در سطح وسیعی از جامعه آماری مشابه به‌صورت کمی بررسی کرد.

ب) یافته‌های کمی پژوهش

در بخش کمی پژوهش لازم است الگوی بومی طراحی شده آزمون و اعتباریابی شود. برای این منظور می‌توان اثر این متغیرها را بر میزان احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری در مدل‌سازی معادله ساختاری به کمک نرم‌افزار AMOS Graphics نیز نشان داد. بر همین اساس به‌منظور تعیین شدت و جهت تأثیر این متغیرها بر میزان احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری، از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شد که نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده‌شده تعریف می‌کند.

مدل کلی پژوهش

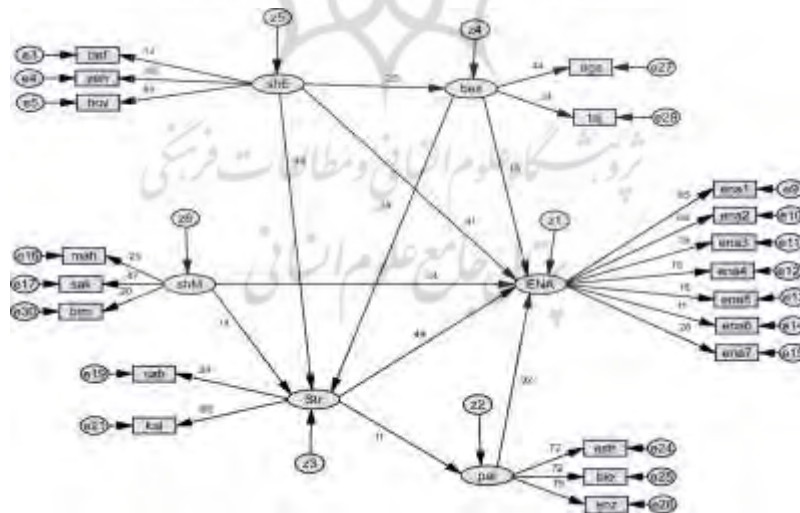
در راستای آزمون و اعتباریابی مدل کیفی، به کمک مدل‌سازی معادله ساختاری، مدل آزموده شد. در این مدل ۲۰ متغیر مشاهده‌شده وجود دارد که این متغیرها از تجمع تعداد زیادی گویه حاصل شده‌اند. برخی از متغیرهای مشاهده‌شده شامل متغیرهای مستقل اصلی پژوهش هستند که در مدل پارادایمی بخش کیفی پژوهش مشخص شده‌اند و برای تبیین اثر متغیرهای مستقل

بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (ENA) به‌کار رفته‌اند. در جدول ۳ ساختار اصلی مدل با شاخص‌ها و نمادهای ترسیمی موجود در مدل مشخص شده است.

جدول ۳. متغیرها و نمادهای ترسیمی مدل

نماد ترسیمی	شاخص‌های اصلی	شاخص‌های فرعی	ساختار مدل
baf	بافت آسیب‌زا	فضاهای تنگ و ترسناک نور کم بافت فرسوده	شرایط علی (shE)
zeh	ذهنیت‌های منفی	شناخت منفی محیط سوءذهنیت به محله	
hov	هویت محله‌ای	القای هویت کاذب به محله مکانی برای تخلف	شرایط مداخله‌گر (shM)
mah	هرج و مرج و سوءمدیریت	محله‌های آشفته	
sak	مسائل شهری	ساخت‌وساز بی‌رویه بی‌مدیریتی	
bim	تجارب منفی	آگاهی از تجارب دیگران تجربه قربانی شدن	بستر (bes)
aga	سابقه و تکرار ناامنی	تکرار جرم سوءسابقه محله	
taj	خلاف قانونی	ضعف قانون (مغفول ماندن قانون) ضعف نظارتی	راهبرد (str)
sab	اشاعه ترس	ترس از بدنامی ترس از آسیب بدنی ترس از ساختار محله	
kal	بی‌اعتمادی	بی‌اعتمادی به فضای شهری بی‌اعتمادی به شهروندان	پیامدها (pai)
esh	انزوای اجتماعی	دوری از اجتماع بی‌اعتمادی به جامعه	
bie	مجموعه گویه‌های احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (ENA)	بی‌نظمی شکلی و تراکم ساختمان فضاهای بدون روشنایی ساختمان‌های رهاشده اجاره پایین برخی مناطق نابسامانی برخی محیط‌های پرتردد بافت‌های جداافتاده سهولت فرار مجرمان	احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (ENA)
ena1			
ena2			
ena3			
ena4			
ena5			
ena6			
ena7			

این متغیرهای آشکار شاخص‌های اصلی از متغیرهای مستقل و وابسته هستند که در متغیرهایی برای تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری وجود دارند. این متغیرها عبارت‌اند از: بستر اثرگذار بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (تجارب منفی)، شرایط علی اثرگذار بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (بافت‌های آسیب‌زاه، ذهنیت‌های منفی و هویت محله‌ای)، شرایط مداخله‌گر اثرگذار بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (هرج‌ومرج و سوءمدیریت مسائل شهری)، راهبرد اثرگذار بر احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (سابقه و تکرار ناامنی و خلأ قانونی) و پیامدهای احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (اشاعه ترس، بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی). در بیان شاخص‌های احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری هفت شاخص مختلف وجود دارند که ena2 به معنی «فضاهای بدون روشنایی» با ضریب ۰/۶۸ دارای بیشترین وزن در تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری بوده است. بر همین اساس ena4 به معنی «اجاره پایین برخی مناطق» با ضریب ۰/۱۰ دارای وزن کمتری در تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری بوده است. در بحث سایر متغیرها نیز همه ضرایب اثر معناداری در تبیین متغیرهای پژوهش نشان داده‌اند. به‌طورکلی، همه هفت گویه تبیین‌کننده احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری در شهر تهران قابلیت زیادی در تبیین این متغیر داشته‌اند.



شکل ۳. مدل معادله ساختاری برای تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (EHN)

با توجه به خروجی مدل در بحث روابط ساختاری، نتایج مدلسازی نشان داده است که اثر همه متغیرهای مستقل بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری معنادار بوده است. در همین ارتباط می‌توان گفت اثر راهبردها (str) با دو متغیر سابقه و تکرار ناامنی و خلأ قانونی بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (EHN) با ضریب $0/48$ اثر مستقیم و معناداری است و بعد از آن نیز شرایط علی (shE) شامل سه متغیر بافت‌های آسیب‌زا، ذهنیت‌های منفی و هویت محله‌ای بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری (EHN) با ضریب $0/41$ اثر مستقیم و معنادار دارد. همچنین اثر شرایط مداخله‌گر (shM) نیز با ضریب $0/34$ معنادار بوده است. علاوه بر متغیرهای یادشده، بسترها و پیامدها نیز اثر مستقیم و معناداری بر احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری داشته است.

علاوه بر روابط اصلی می‌توان برخی روابط ساختاری در مدل را نیز تحلیل کرد؛ برای مثال، شرایط علی هم بر بسترهای تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری و هم بر راهبردهای تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری اثر معنادار دارد. همچنین اثر جداگانه شرایط مداخله‌گر و بستر بر راهبردهای تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری معنادار بوده است. درنهایت، خود راهبردهای تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری اثر مستقیم و معناداری بر پیامدهای احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری داشته‌اند. در کل مثبت بودن تمام بارهای عاملی مدل گویای مستقیم و معنادار بودن روابط موجود در مدل است.

به منظور بررسی تفاوت معنادار اثر متغیر آشکار بر پنهان، به وزن‌های رگرسیونی مراجعه می‌شود. مقدار C.R مقدار است که با نسبت بحرانی خوانده می‌شود. این مقدار که از محاسبه نسبت مقدار برآوردشده غیراستاندارد برای پارامتر Estimate به خطای معیار (S.E) محاسبه شده برای همان پارامتر حاصل می‌شود، نشان می‌دهد که در صورت رد فرضیه صفری که مقدار این پارامتر را برابر صفر قرار می‌دهد، تا چه حد احتمال خطا وجود دارد. مقادیر سه ستاره (***) در قسمت (P) به معنای تأیید فرضیه با مقدار صفر است. در جدول ۴، قضاوت کردن به وجود تفاوت معنادار بین ضریب محاسبه شده و صفر به صفر درجه خطا منجر می‌شود. با توجه به اینکه تا ۵ درصد میزان خطا قابل قبول است، نتیجه نهایی این است که

پارامتر محاسبه‌شده در تمامی موارد دارای تفاوت معنادار با صفر است. به‌طورکلی این اظهارات برای نمونه‌های بزرگ‌تر جامعه آماری مناسب است.

جدول ۴. برآورد وزن‌های رگرسیونی روابط ساختاری موجود در مدل با نرم‌افزار AMOS

	Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
bes <--- shE	0.553	0.134	4.113	***	
Str <--- bes	0.366	0.104	3.518	***	
Str <--- shM	0.175	0.043	4.048	***	
Str <--- shE	0.684	0.166	4.112	***	
pai <--- Str	1.280	0.142	9.022	***	
ENA <--- shM	1.107	0.240	4.610	***	
ENA <--- shE	0.725	0.143	5.079	***	
ENA <--- pai	0.278	0.082	3.369	***	
ENA <--- Str	0.500				
ENA <--- bes	0.606	0.123	4.919	***	
ena1 <--- ENA	1.000				
ena2 <--- ENA	1.551	0.233	6.664	***	
ena3 <--- ENA	0.606	0.123	4.919	***	
ena4 <--- ENA	1.482	0.223	6.643	***	
ena5 <--- ENA	0.925	0.135	6.848	***	
ena6 <--- ENA	1.152	0.167	6.881	***	
ena7 <--- ENA	0.718	0.225	3.195	.001	
aga <--- bes	1.000				
mah <--- shM	1.000				
sab <--- Str	1.000				
sak <--- shM	0.678	0.557	1.217	.224	
esh <--- pai	1.000				
bie <--- pai	0.880	0.118	7.489	***	
hov <--- shE	1.000				
taj <--- bes	1.295	0.158	8.220	***	
baf <--- shE	0.962	0.159	6.055	***	
zeh <--- shE	0.713	0.079	9.032	***	
kal <--- Str	1.570	0.353	4.452	***	
enz <--- pai	1.069	0.141	7.566	***	
bim <--- shM	0.794	0.096	8.268	***	

بررسی شاخص‌های برازش مدل

یافتن یک مدل نظری که به لحاظ آماری معنادار و همچنین دارای معنا و مفهوم نظری و کاربردی باشد، هدف اولیه به کارگیری مدل‌سازی معادله ساختاری است. در این روش، برای ارزشیابی برازندگی مدل، معیارهای زیادی وجود دارد. در جدول ۵ این معیارها به همراه میزان مورد قبول و مقدار به دست آمده برای مدل پژوهش ارائه شده است. این شاخص‌ها برازندگی مدل طراحی شده را نشان می‌دهند که نشانگر برازندگی و تناسب خوب مدل است. به عبارتی مدل نظری تحقیق تأیید می‌شود. از آنجا که این مدل توسط شاخص‌های برازندگی تأیید شد، می‌توان از آن برای آزمون فرضیه‌ها استفاده کرد.

جدول ۵. شاخص‌های برازندگی مدل نهایی

تفسیر شاخص	برازش قابل قبول	مقدار به دست آمده	نماد	شاخص برازش	
تأیید	بزرگ‌تر از ۷/۰	۰/۸۸۱	GFI	شاخص نیکویی برازش	شاخص‌های برازش مطلق
تأیید	بزرگ‌تر از ۷/۰	۰/۸۱۵	AGFI	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	
تأیید	بزرگ‌تر از ۷/۰	۰/۸۰۹	TLI	شاخص برازش هنجار نشده	
تأیید	بزرگ‌تر از ۷/۰	۰/۸۷۳	CFI	شاخص برازش تطبیقی	شاخص‌های برازش تطبیقی
تأیید	بزرگ‌تر از ۷/۰	۰/۸۲۴	IFI	شاخص برازش افزایش	
تأیید	بزرگ‌تر از ۵/۰	۰/۸۳۱	PNFI	شاخص برازش مقصد هنجار شده	
تأیید	کوچک‌تر از ۱/۰	۰/۹۶۵	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	شاخص‌های برازش مقصد
تأیید	مقدار بین ۱ تا ۳	۲/۹۴	CMIN/df	نسبت کای دو به درجه آزادی	

بحث و نتیجه‌گیری

احساس ناامنی همواره بزرگ‌ترین تهدید برای جوامع قدیم و جدید بوده و امروزه در جوامع شهری، دامنه و حدود این احساس به مراتب بیشتر از گذشته است. بر همین اساس، ضرورت مطالعه احساس ناامنی در کلان‌شهرها که دارای فضاهای بی‌دفاع نیز هستند، بیش از پیش ضرورت می‌یابد. در این پژوهش، به منظور آگاهی از ذهنیت و استدلال ذهنی و معنایی شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری از روش ترکیبی یا آمیخته استفاده شد. یافته‌های کیفی با استفاده از نظریه مبنا‌ی نشان داد که با ترکیب ده مقوله اصلی پژوهش (اشاعه ترس، خلأ قانونی، سابقه و تکرار ناامنی، بی‌اعتمادی، بافت‌های آسیب‌زا، هرج‌ومرج و سوءمدیریت مسائل شهری، انزوای اجتماعی، هویت محله‌ای، ذهنیت‌های منفی و تجارب منفی)، مقوله هسته نهایی در مرحله کدگذاری گزینشی ظهور کرد. با توجه به مقولات عمده و توضیحات فوق می‌توان گفت که احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری به علت وجود بافت‌های آسیب‌زا و ذهنیت‌های منفی در قالب هویتی خاص در بستر ضعف نظارتی و تجارب منفی با راهبردهای سابقه و تکرار ناامنی و خلأ قانونی به هرج‌ومرج و بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی منجر شده است. این مقوله هسته می‌تواند همه مباحث شهروندان تهرانی را درباره احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری پوشش دهد و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. براساس مقوله هسته نهایی که خود برگرفته از سایر مقولات عمده ارائه شده است، شهروندان تهرانی در تجربه زیسته خود شرایط علی، بستر و پیامدهای بحران‌های هویتی و قومی را تجربه، درک یا تصور می‌کنند. آن‌ها در شرایط و بستر تعاملی خاصی احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری را تبیین کرده‌اند که این شرایط در هر جا مهیا شود، انتظار ناامنی در فضای شهری بالا می‌رود. براساس پنداشت ذهنی شهروندان در مهم‌ترین علت بافت آسیب‌زا، ذهنیت‌های منفی و هویت محله به چشم می‌خورند که از آن‌ها به عنوان مهم‌ترین شرط تحقق ناامنی با مداخله و شتاب‌دهندگی هرج‌ومرج و سوءمدیریت مسائل شهری می‌توان یاد کرد. این روند در بستر تجارب منفی رشد یافته و با راهبردهای سابقه و تکرار ناامنی و خلأ قانونی به پیامدهای اشاعه ترس در محله، بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی شهروندان منجر می‌شود. همچنین با توجه به نظریات ارائه شده در تحقیق حاضر از تئوری‌های فضاهای قابل‌دفاع

(نیومن)، پنجره شکسته (ویلسون)، نظریه ری جفری، پیشگیری وضعی از جرم (کلارک)، فرصت‌های نظارتی (جاکوب)، نظریه تفاوت فرهنگی (آموس راپوپورت) و نظریه تراکم جمعیت به‌منظور تبیین موضوع مورد مطالعه استفاده شد. از این منظر، مجموعه‌ای از نشانه‌های محیطی و فیزیکی از قبیل روشنایی ضعیف در شب، مکان‌های مناسب برای اختفای مجرمان، خلوتی و تاریکی (مثل زیرگذرها)، محاط‌بودن و نبود فرصت نظارتی (مثل برخی پارک‌ها)، بی‌نظمی و فرسودگی (مثل ساختمان‌های مخروبه و متروکه) مکان‌های بدون متولی (مثل ساختمان‌های رهاشده)، نبود امکان فرار (کوچه‌های تنگ و باریک)، رؤیت‌ناپذیری (مثل باغ‌های درون‌شهری)، نبود فرصت نظارتی (مثل پارکینگ‌ها و پله‌ها)، بی‌ثباتی و ناپایداری جمعیت (مثل پایانه‌های مسافری)، ازدحام و تراکم جمعیت (مثل ایستگاه‌های مترو)، پیش‌فرض ناامنی که همراه با احساس ناامنی بوده، مدنظر قرار گرفته است. بر این اساس، طراحی و معماری نامناسب فضای شهری، نبود نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری، تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش‌فرض ناامنی از جمله عوامل تشدیدکننده احساس ناامنی شهروندان بوده است. این پژوهش ضمن کشف دلایل ذهنی و معنایی احساس ناامنی، به روش کمی نیز روابط ساختاری بین مؤلفه‌های کشف‌شده را به اثبات رساند و نتایج تحلیل ساختاری مدل نشان داد که اثر همه متغیرهای مستقل بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری معنادار بوده است. در همین زمینه می‌توان گفت اثر راهبردهای سابقه و تکرار ناامنی و خلأ قانونی بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری با ضریب $0/48$ مستقیم و معنادار است و بعد از آن نیز شرایط علی شامل سه متغیر بافت‌های آسیب‌زا، ذهنیت‌های منفی و هویت محله‌ای بر تبیین احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری با ضریب $0/41$ اثر مستقیم و معنادار دارد. همچنین اثر شرط مداخله‌گر هرج‌ومرج نیز با ضریب $0/34$ معنادار بوده است. علاوه بر متغیرهای یادشده اثر بستر تجارب منفی و پیامدهای اشاعه ترس، بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی نیز اثر مستقیم و معناداری بر احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری داشته است.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۷۷)، *نظریه انحرافات اجتماعی*، شیراز: انتشارات زر.
- اسدی‌فرد، محمد (۱۳۹۳)، «ارتقای امنیت اجتماعی از طریق طراحی فضای سبز شهری»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، شماره ۳۱: ۳۱-۵۲.
- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، *فضا و نابرابری اجتماعی: الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت‌مدرس.
- بوزان، باری (۱۳۸۷)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تختی، بیتا (۱۳۹۵)، «نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در کاهش حس امنیت در شهروندان»، *ماهنامه مسکن و انقلاب*، شماره ۱۱۵: ۶۸-۵۳.
- جیکوبز، جین (۱۳۸۶)، *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
- چپمن، دیوید (۱۳۸۶)، *آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت*، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان، دانشگاه تهران.
- دارابی، جمال (۱۳۹۵)، «فضاهای بی‌دفاع شهری، عوامل تهدیدکننده توسعه پایدار شهری»، *مارتینیا*، شماره ۲: ۷۰-۵۱.
- راپوپورت، آموس (۱۳۸۴)، *معنی محیط ساخته‌شده*، ترجمه فرح حبیب، تهران: نشر پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی (۱۳۸۵)، «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۲۲: ۱۳۲-۱۰۹.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ قهرمانی، سهراب و سجاد یاهک (۱۳۹۰)، «فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی: فضاهای بی‌دفاع شهر تهران)». *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۴: ۷۰-۵۱.

• محمدی، بهشته و محمود شارع‌پور (۱۳۹۸)، «تأثیر فضای پیاده‌روهای شهری بر حیات اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: پیاده‌روهای شهر آمل)». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۱: ۱۷۵-۱۹۷.

- Afrouq, E. (1998), **Space and Social Inequality: A Model for Spatial Separation and its Consequences**, Tehran: Tarbiat Modarres University Press. (*In Persian*)
- Ahmadi, H. (1998), **Theory of Social Deviations**, Shiraz: Zarr Publications. (*In Persian*)
- Alikhah, F., and Najibi Rabiei, M. (2006), "Women and Fear of Crime in Urban Spaces", **Social Welfare Research Quarterly**, No. 22, 109-132. (*In Persian*)
- Asadi Fard, M. (2014), "Promoting Social Security through Urban Green Space Design", **Journal of Crime Prevention Studies**, No. 31: 31-52. (*In Persian*)
- Buzan, B. (2008), **People, Governments, and Panic**, Translated by: Institute for Strategic Studies, Tehran: Institute for Strategic Studies. (*In Persian*)
- Chapman, D. (2007), **Creating Neighborhoods and Places in the Human Environment**, Translated by: Sh. Fariadi and M. Tabibian, Tehran: University of Tehran. (*In Persian*)
- Darabi, J. (2016), "Urban Defensible Spaces, Threats to Sustainable Urban Development", **Martinias**, The Fifth Period, No. 2: 50-71. (*In Persian*)
- Dutton, D. G.; White, K. R. (2012), "Attachment Insecurity and Intimate Partner Violence", **Aggression and Violent Behavior**, No 5: 475-481.
- Fisher, B., and May, D. (2009), "College students' Crime-Related Fear on Campus: Are Fear Provoking Cues Gendered?" **Journal Contemp Crim Justice**, No. 25: 300-321.
- Jacobs, J. (2007), **The Death and Life of Major American Cities**, Translated by: H. R. Parsi and Arezoo Aflatooni, Tehran: University of Tehran. (*In Persian*)
- Lindstrom, M., Merlo, J., and Ostergren, P. (2003), "Social Capital and Sense of Insecurity in the Neighbourhood: A Population-Based Multilevel Analysis in Malmo, Sweden", **Social Science & Medicine**, 5: 1111-1120.
- Mahrous, A. M., Moustafa, Y. M., and Abou El-Ela, M. A. (2018), "Physical Characteristics and Perceived Security in Urban Parks: Investigation in the Egyptian Context", **Ain Shams Engineering Journal**. No. 4: 3055-3066. (*In Persian*)
- Mohammadi, B., and Sharepour, M. (2019), "The Impact of Urban Pavement Space on Youth Social Life (Case Study: Pavements of Amol City)", **Social Studies and Research in Iran**, No. 1: 175-197. (*In Persian*)
- Mohseni Tabrizi, A., Ghahramani, S., and Yahak, S. (2011), "Urban Defensible Spaces and Violence (Case Study of Tehran Defenseless Spaces)", **Journal of Applied Sociology**, No. 4: 51-70. (*In Persian*)
- Nady, R. (2016), "Towards Effective and Sustainable Urban Parks in Alexandria", **Procedia Environmental Sciences**, No. 34: 474-489.

- Rapport, A. (2005), **Meaning of Built Environment**, Translated by: F. Habib, Tehran: Publication of Process and Urban Planning.
- Robin, W. & Nath, L.W. (2007), "Gender and Emotion; Women in the United states: Do Men and women Differ in Self- Reports of Feeling and Expressive Behavior?" **American Journal of Sociology**, No. 5: 1137-1176.
- Schmitt, C. (2015), "Social Security Development and the Colonial Legacy", **World Development**, No. 70: 332-342.
- Shach-Pinsly, D. (2018), "Measuring Security in the Built Environment: Evaluating Urban Vulnerability in a Human-Scale Urban Form". **Landscape and Urban Planning**, Available on 11 September 2018, In Press, Corrected Proof, doi:10.1016/j.landurbplan.2018.08.022.
- Takhti, B. (2016), "The Role of Unprotected Urban Areas in Reducing the Sense of Security in Citizens", **Housing and Revolution Journal**, No. 115: 53-68. (*In Persian*)
- Timothy, C., and O'Shea. (2006), "**Physical Deterioration, Disorder, and Crime**", University of South Alabama.
- Weaver, D. (2010), "Social Security and Social Support", **Journals of Gerontology**, Series B: Psychological and Social Sciences, No. 1: 24-34.

